

محمد صالح - ابراهیمی محمدی

## بیاد روانشاد حاج سید عبدالله گیلانی زاده

یادی از درگذشت اندوه بار شخصیتی برجسته و انسان شریف و کامل و بسا تقوی‌ترین مسلمان روانشاد مرحوم شیخ : ( حاج سید عبدالله گیلانی زاده ) بمناسبت



چهلمین روز آن ضایعه بزرگ و اسفناک .

حضرت شیخ از پیشوایان مذهبی و همه کردها از هر طریقه و سنتی ارادت و شنوائی خاصی نسبت بآن بزرگوار داشتند و عمر خود را بدون تظاهر در خدمت و ارشاد و راهنمایی واقعی مردم صرف نمود و همیشه شخصیت مورد احترام عامه بودند و عرض ارادت کوچک و بزرگ بآن مرحوم صمیمانه و بی‌ریا بود .

مرحوم شیخ در دوسه بار مسافرت تهران به پیشگاه شاهنشاه آریامهر شرفیاب شده و افتخار دریافت عصای مرصع از طرف شاهنشاه را پیدا کردند .

حاج سید عبدالله کیلانی زاده از شریفترین و نجیبترین خانواده‌های کرد و فرزند مرحوم شیخ عبدالقادر و در (تفضل) که بحساب جمل در سال ۱۳۱۰ هجری در شهر طایف حجاز واقع در ۱۳۰ کیلومتری مدینه تولد یافته بودند و نوه شیخ عبیدالله معروف و نتیجه سید طه بزرگ است و با سیزده نسل بحضرت شیخ عبدالقادر کیلانی (غوثی کیلانی) میپیوندد ولی خانواده آن مرحوم در اثر نزدیکی و کسب فیض از مولانا خالد نقشبندی پیر و مرشد طریقه نقشبندی هستند ، فقید سعید از طرف مادر سید حسینی و از طرف پدر سید حسینی است . شیخ عبدالقادر کیلانی با ۱۴ نسب بحضرت امام حسن علیه السلام میرسد .

مرحوم حاج سید عبدالله کیلانی زاده در دوسالگی از مکه معظمه بشهر اسلامبول پایتخت دولت عثمانی مسافرت نموده‌اند و پس از شش سال اقامت در اسلامبول دوباره بمرستان برگشته و تحصیلات ابتدائی خود را در شهر مدینه منوره به پایان رسانیده‌اند و بعداً بمدت ۵ سال در شهر بیروت بتحصیل پرداخته بطور خلاصه قرآن مجید و علوم اسلامی را نزد برجستگان روزگار خود در مدینه و اسلامبول تحصیل نموده و با علوم اسلامی آشنائی کامل داشت و به کردی و فارسی و عربی و ترکی مسلط و به زبانهای فرانسه و انگلیسی نیز آشنائی داشت .

پس از اعلام حکومت مشروطه در کشور ترکیه حاج سید عبدالله کیلانی زاده باتفاق پدر بزرگوارشان شیخ عبدالقادر که از طرف سلطان عبدالحمید به سناتور می‌گشت مجلس سنای عثمانی برگزیده شده بودند با اسلامبول مراجعت کردند و مدتی در منطقه شمزینان اقامت داشتند و چون اصلاً ایرانی بودند هر چند یکبار برای دیدار وطن و

رسیدگی با اهلاکی که در ایران داشتند بداخله کشور مسافرت میکردند و بیشتر در این نواحی مقیم بودند ، در آغاز جنگ بین الملل اول در سال ۱۹۱۴ در ایران عده زیادی از مریدان و منسوبین و معتقدین خود را جمع آوری و بتهیه قوا پرداختند و در نواحی خوی و شاهپور با قوای روس تزاری به نبرد پرداختند تلفات سنگینی به نیروی تزاری وارد شد و بر اثر تفوق نیروهای تزاری ناچار بمهاجرت بکشور عراق گردیدند و در غیاب ایشان املاک خانواده حاج سید عبدالله در ترکیه جزء خالصه دولتی درآمد و نامبرده تا سال ۱۳۱۹ در عراق براهنمائی و ارشاد مردم مشغول بود .

ولی بعداً در همان سال با ایران مراجعت فرمودند که پس از مدتی با حوادث ناشی از اشغال ایران از طرف قوای متفقین روبرو شدند و با وجود احتراز آن مرحوم از دخالت در سیاست و امور دینی وجود ایشان یکی از عوامل ثبات و حفظ امنیت مناطق کرد نشین بودند وجود معظم له برای صیانت جان و مال و ناموس مردم آن سامان بسیار مؤثر و مفید بود .

این رادمرد دلیر عشق پاک و آتشینی به ایران و شاهنشاهی ایران زمین داشت مبارزات سرسختانه آن مرد وطن دوست در جنگ گذشته بقدری درسرحدات شمالی مورد توجه واقع گردید که از طرف شاهنشاه آریابهر بدریافت عصای مرصعی نائل شدند و فرمانهائی در تقدیر از خدماتش صادر گردید .

مرحوم حاج سید عبدالله اخلاقاً مردی متواضع ، بدون تظاهر و انسان شریفی بودند که کمتر نظایر خواهد داشت و عموم مردم کردستان و عشایر و ایلات آن سامان بویژه نواحی آنزربایجان غربی رضائیه و اشنویه و نقده و خانه و سردشت و مها باد و بوکان و سقز با آن مرحوم ارادت میورزیدند و بمناسبت فوت آن ذات بزرگوار چند روز بازار و دکانها تعطیل بوده است .

حضرت حاج سید عبدالله کیلانی زاده که اینک مدت چهل روز است بدرود حیات گفته اند و مستندی را که مورد احترام عامه بود خالی گذاشتند در رضائیه مقیم بودند از دو سال پیش با اینطرف بشدت بیمار و چند بار با مر شاهنشاه آریامهر با کمک مقامات نظامی و دولتی برای معالجات بتهران آمدند و کوشش فراوان برای اعاده سلامتی ایشان بعمل آمد ولی متأسفانه بعلت کبر سن وضعف بنیه چندی قبل نیز بمرض فشار خون دچار گردید و در نتیجه سکتته ناقص و خونریزی معده ساعت ۳ بعد از نصف شب شبیه سوم تیرماه چهل و شش خورشیدی مطابق ۱۵ ربیع الاول ۱۳۸۷ هجری و ۲۴ ژوئن ۱۹۶۷ میلادی در منزل شخصی خود در شهرستان رضائیه در ۷۷ سالگی جهان فانی را وداع گفت و همگان را در غم و اندوه فقدان خود داغدار کرد .

مریدان و پیروان حضرت شیخ در سرتاسر سرزمینهای گردنشین در روز تشییع جنازه آن فقید سعید وارد رضائیه شدند و در حدود پنجهزار نفر از مناطق مختلف در تشییع جنازه شرکت کردند و ساعت ۷ بعد از ظهر در قریه دیزج مرگور در مقبره خانوادگی بخاک سپرده شد و عالمی را عزادار نمود و زمزمه و داد و فغان و شیون عجیبی در میان منسوبان و مریدان آن مرحوم حاصل شد و صدای گریه وزاری آسمان مرگور را پر کرده بود و در فضا موج میزد و وطنین افکن بود .

باردیگر این مصیبت را بخانواده حضرت شیخ بویژه بفرزندان محترم آقایان سید عبدالعزیز و سید عبدالقادر تسلیت گفته از خداوند یکتا آرزومند سرافرازی ایشان و دیگر بازماندگان آن فقید سعید هستم .

هر که بتأدیب دنیا راه صواب نکیرد بتعذیب عقبی گرفتار آید .  
(سعدی)